



به این صورت که با همکاری اصناف و بخش خصوصی، مشکل تورم را در کاهش عرضه‌ی یک کالا و خدمات به نسبت تقاضای روز بسنجند و سپس از واحدهای صنعتی و تولیدی و... که ناخواسته برهم زنده‌ی تناسب یک طرف ترازوی عرضه و تقاضا بوده‌اند، بخواهند برای بازگرداندن تعادل بازار نقش خود را ایفا کنند و جزییات این را نیز به مردم اعلام نمایند.

برای مثال در بخش مسکن، اگر معادن و نیروهای غیربومی‌شان تعادل بازار را به هم زده و تقاضا را از عرضه بالاتر برده‌اند، حداقل‌ترین کار اداره صمت، فرمانداری و اداره مسکن و شهرسازی می‌تواند این باشد که برای شهرک‌سازی نیروهای خود این معادن با شرکت‌های معادن وارد مذاکره شوند.

خانه یک مثل است و این میان باقی کالاها و خدمات نیز از این ماجرا مستثنا نیستند. اگر مردم و ادارات دولتی این قانون عرضه و تقاضا را آموختند و بر چگونگی اجرای نقش موثر خود بر آن مسلط شدند، که اوضاع بهتر می‌شود و گرنه که نه درد را درست تشخیص داده‌ایم و نه درمان‌مان جز تسکین موقت، اثری خواهد داشت. این میان فقط نق زده و ناله و نفرین سرداده‌ایم و بیشتر از پیش اعصاب خود و اطرافیان مان را خرد و خاکشیر کرده‌ایم. به عمل کار برآید به فاش کاری نیست. به جای نق زدن وقتی روغن گران شد، هو ریز نکنیم که صدتا بخریم و بگذاریم توی کابینت خانه و خان‌باغ. همین یک کار را بلد بشویم، بیشتر راه را در تاثیرگذاری نقش مثبت خود بر بازار و قیمت‌ها رفته‌ایم.

این میان اگر بخواهیم نقشی هم برای دولت‌ها قائل شویم همانا کمک به ملت برای مدیریت عرضه و تقاضاست در جهتی که نفع همگانی ست. منتها چون عموماً دولت‌ها گاهی نفع اقلیتی نزدیک طیف قدرت را بر منافع عموم تر ترجیح داده و می‌دهند، ورود دولت‌ها برای مدیریت و برقراری تناسب میان عرضه و تقاضا معمولاً با زد و بندها و مفاسد پشت پرده‌ای همراه است و این دخالت دولت‌ها در اقتصاد به نفع مردم به عنوان مشتریان کل تمام نمی‌شود. مثال بارزش هم صنعت خودرو در ایران است که دخالت دولت در آن فقط در راستای ایجاد انحصار برای تولید کننده بوده و همواره زیانش هم در کیفیت پایین و هم در قیمت‌های بالا، نصیب ملت شده است.

بازار عرضه و تقاضای سیرجان هم از دخالت‌های خیرخواهانه یا منفعت‌طلبانه‌ی دولتی‌ها دچار افت و خیز می‌شود. ستاد تنظیم بازار و مشخص کردن قیمت‌های تکلیفی و طرح‌های مبارزه با احتکار و گران فروشی و از این قبیل سیاست‌های نخنما که اداراتی مثل فرمانداری‌ها و اداره صمت و... پیگیری می‌کنند، در بهترین و خیرخواهانه‌ترین حالت رفع تکلیفی بیشتر نیستند. شاهد هم بوده‌ایم که در همه‌ی این سال‌ها اجرا شده‌اند اما کمترین تاثیری بر کاهش پدیده‌ی چندگانگی نرخ و ثابت ماندن قیمت‌ها نداشته‌اند.

ادارات دولتی اگر بخواهند می‌توانند با روش‌های کارآمدتری به جای ایفای نقش‌های دستوری و غیرعملی رویاورند. ادارات دولتی مثل فرمانداری و اداره صمت و... به جای راه‌های قدیمی مثل بازرسی واحد به واحد که نشدنی‌ست، نقش میانجی را برای خود قائل بشوند.